

## نقش معیارهای اخلاقی در جامعه‌شناسی کاربردی

اسفندیار غفاری‌نسب، استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز\*

محمدتقی ایمان، استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

### چکیده

در این مقاله به بررسی نقش و اهمیت معیارهای اخلاقی در جامعه‌شناسی کاربردی پرداخته می‌شود. اخلاق کاربردی به بحث در باره نحوه به کارگیری نظریه‌های اخلاقی هنجاری در امور گوناگون می‌پردازد، و معطوف به موارد جزئی و عینی است و می‌کوشد معضلات اخلاقی را رفع نماید. جامعه‌شناسی کاربردی به معنای کاربرد نظریه‌ها و روش‌های جامعه‌شناختی برای انجام مداخله مستقیم در امور اجتماعی و انجام تغییرات اجتماعی مثبت برای حل و فصل مسائل اجتماعی است. وجه مشخص عملکرد جامعه‌شناختی، درگیری مستقیم و دخالت دادن جامعه‌شناس در برنامه‌ریزی و اقدام به حل مسأله برای ایجاد تغییرات اجتماعی است. رهیافت عملگرایی جامعه‌شناختی، یکی از شاخه‌های اصلی جامعه‌شناسی کاربردی است که متضمن مشارکت فعال و مداوم جامعه‌شناس به عنوان یک عامل مداخله و تغییر است. در مورد نقش اخلاق در جامعه‌شناسی کاربردی باید گفت اخلاق متضمن هنجارهای عملی است که سبب تمایز رفتار قابل پذیرش از رفتار غیرقابل پذیرش می‌گردد. اصول و معیارهای اخلاقی زیربنای مسؤولیت‌ها و عملکرد حرفه‌ای است. این اصول و معیارها باید به منزله اصول راهنما به کار گرفته شوند. این اصول اخلاقی شکل‌دهنده احکام هنجاری هستند که جامعه‌شناسان ممکن است در کار حرفه‌ای‌شان با آن روبه‌رو شوند. برخی از انجمن‌های حرفه‌ای مجموعه‌ای از قواعد و راهبردهای اخلاقی در مورد رفتار را پذیرفته‌اند. انجمن جهانی جامعه‌شناسی نیز چنین قوانینی را تصویب نموده است. این قوانین متضمن احکام هنجاری هستند که به ارائه راهنمایی در مورد مسایلی می‌پردازند که جامعه‌شناسان ممکن است در کار حرفه‌ای خود با آنها روبه‌رو شوند. این قوانین همچنین همراه با رویه‌هایی برای پژوهش و حل و فصل شکایت‌هایی است که در مورد عملکرد غیراخلاقی صورت می‌گیرد. پنج اصل کلی که جامعه‌شناسان باید در زمینه‌های گوناگون از آنها پیروی نمایند، عبارتند از: شایستگی حرفه‌ای، یکپارچگی، مسؤولیت اخلاقی و علمی، احترام برای حقوق و شأن و منزلت انسان‌ها، پذیرش تنوع و مسؤولیت اجتماعی.

واژه‌های کلیدی: اخلاق کاربردی، جامعه‌شناسی کاربردی، مسؤولیت اجتماعی، شایستگی حرفه‌ای، حل مسأله.

## مقدمه

در سال‌های اخیر اکثر دانشگاه‌ها، سازمان‌های تحقیقاتی، انجمن‌های حرفه‌ای، سازمان‌های مالی، سیاستمداران، مؤسسه‌ها و دانشمندان دریافته‌اند که تضمین عملکرد اخلاقی یک بخش اساسی از تحقیقات بینادی، کاربردی و کلینیکی است. تا چند دهه اخیر، دانشمندان چنین رویکردی به اخلاق نداشتند، زیرا براساس دیدگاهی که طی قرن‌ها رایج بود، علم یک امر عینی و اخلاق یک امر ذهنی انگاشته می‌شد (اسنو، ۱۹۶۴). از این‌رو، دانشمندان نیازی برای توجه به مسائل اخلاقی نمی‌دیدند، و در هنگام تحقیق، نگران مسائل اخلاقی نبودند. براساس این دیدگاه، مسائل اخلاقی در ضمن کاربرد علم رخ می‌دهد و نه در هنگام تولید آن. از این‌رو، نظر بر این بود که انسان‌گرایان، سیاستمداران، و عموم افراد می‌توانند به جنبه‌های اخلاقی تحقیق بپردازند، اما وظیفه اصلی دانشمندان را انجام تحقیق به خاطر خود علم می‌دانستند (شامو و رسنیک، ۲۰۰۹: ۱۴). نقش علوم‌انسانی در تعیین مقدرات زندگی انسان‌ها باعث شده تا حساسیت اندیشمندان در رعایت معیارهای اخلاقی این حوزه افزایش یابد (ایمان و غفاری نسب، ۱۳۹۰: ۳).

در طی دهه گذشته، دانشمندان، عموم مردم و سیاستمداران به گونه‌ای فزاینده نسبت به اهمیت رعایت اخلاق در تحقیقات علمی آگاهی یافته‌اند. چندین روند در توجه فزاینده به تحقیق علمی نقش داشته‌اند که بدین شرح هستند: نخست، نقش رسانه‌ها در گزارش کردن بروز مسائل اخلاقی در زمینه علم مانند آزمایش‌های سرّی دولت آمریکا بر روی انسان‌ها در طی جنگ سرد، پیدایش مهندسی ژنتیک و مطالعات درباره مبنای ژنتیکی هوش، گرم شدن هوای کره زمین، و نظایر آن؛ دوم، دانشمندان ضمن بررسی و ارزیابی مواردی از عملکردهای غیراخلاقی در بسیاری از تحقیقات دریافته‌اند، که فقدان اخلاق در علم، موجب تهدید ثبات و انجام تحقیق علمی می‌شود (هجس، ۱۹۹۷). این موارد

شامل سرقت ادبی، تقلب، نقض قانون، سوء استفاده از منابع ملی، استثمار افراد زیر دست، تبعیض، تعارض منافع و نظایر آن می‌شود. به رغم افزایش شواهد درباره عدم رعایت اخلاق تحقیق، هنوز هم شواهد نشان می‌دهند که عملکرد نادرست در علم در مقایسه با سایر حرفه‌ها، مانند پزشکی، تجارت و حقوق بسیار ناچیز است؛ سوم، وابستگی متقابل فزاینده‌ای که میان علم یا تجارت و صنعت پیدا شده، سبب افزایش تعارض میان ارزش‌های علمی و ارزش‌های تجاری گردیده است (ریسر، ۱۹۹۳). این تعارضات موجب بروز مسائلی در زمینه سرمایه‌گذاری در زمینه علم، بازبینی همکاران، انتقادپذیری علم، مالکیت دانش و اشتراک در منابع شده است.

امروزه دانشگاه‌ها نسبت به عملکرد برخی از دانشمندان ابراز نگرانی می‌کنند (بووی، ۱۹۹۴: ۸). مدیران دانشگاه‌ها کمابیش از دانشمندانی که برای بخش خصوصی کار می‌کنند، شاکی هستند، زیرا معتقدند که آنها وقت کمتری را صرف امر تدریس در دانشگاه می‌کنند. بازرسان دولتی همواره مخالف استفاده شرکت‌های خصوصی از نتایج علمی هستند که به واسطه صرف هزینه‌های عمومی به دست آمده است (لوماسکی، ۱۹۸۷: ۶).

در واکنش به نگرانی‌هایی که درباره عدم رعایت معیارهای اخلاق در علم وجود دارد، نهادها و مجامع علمی گوناگون، مانند بنیادهای ملی علم، نهاد بین‌المللی دانش، و انجمن آمریکایی برای پیشرفت علم، آکادمی ملی علوم نظایر آن کمیته‌هایی را برای مطالعه مسائل اخلاقی و عدم رعایت معیارهای اخلاقی در علم تشکیل داده‌اند و در این راستا توصیه‌هایی نیز ارائه کرده‌اند. افزون بر آن، دانشگاه‌ها، حرفه‌ها و مجامع علمی از برگزاری کارگاه‌ها و کنفرانس‌هایی که به مسائل اخلاقی در علم می‌پردازند، پشتیبانی و حمایت می‌کنند. افزون بر اینها، دانشمندان شروع به ادغام اخلاق در برنامه‌ریزی

درسی نموده‌اند. و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علم، کتاب‌ها و مقالات فراوانی را در این خصوص نوشته‌اند و مجلات جدیدی را نیز برای بررسی مسائل اخلاقی در علم تأسیس کرده‌اند (برد و اسپیر، ۱۹۹۵: ۲). سرانجام مجامع و سازمان‌های علمی قوانین اخلاقی را پذیرفته‌اند و به دانشمندان توصیه می‌کنند که اخلاق را در علم ادغام کنند.

امروزه دانشمندان در ضمن تدریس و آموزش به دانشجویان و انجام تحقیق باید توجه خاصی را به اخلاق معطوف دارند و برای دانشجویان توضیح دهند که تحقیق را باید به چه دلایلی انجام دهند (شامو و دونیکان، ۲۰۰۰: ۲۰۷). از این رو، دلایل لزوم توجه به اخلاق در تحقیقات را بدین شرح بیان می‌دارد: نخست این‌که، تحقیق فعالیتی نیست که در انزوا صورت گیرد، بلکه دانشمندان با همکاران خود در نهادها و دانشگاه‌ها تعامل و همکاری دارند. اکنون دانشمندان به صورت گروه‌های تحقیقاتی با یکدیگر همکاری دارند، و تشریک مساعی در ارزیابی طرح و پروژه‌های تحقیقاتی با همکاری سایر دانشمندان صورت می‌گیرد. ارزیابی همکاران به صورت یک مکانیزم کنترل عمل می‌کند، برای تضمین این‌که طرح یا گزارش‌های تحقیقاتی منتشر شده واجد معیارهای روش‌شناختی و حرفه‌ای باشند، زیرا دانشمندان باید از معیارهایی برای اجرای تحقیق استفاده کنند که محرک همکاری مؤثر و باعث تحقق اهداف علم باشد (هیول، ۱۹۸۸). بنابراین، معیارها و اصول اخلاقی مانند درستی و صداقت، یکپارچگی، اعتماد، محاسبه‌پذیری، احترام، اعتماد و انصاف نقش اساسی را در شکل‌گیری نحوه انجام تحقیق علمی ایفا می‌کنند (رسنیک، ۱۹۹۸).

دوم آن‌که، تحقیق همواره در درون محیط اجتماعی صورت می‌گیرد. منافع اقتصادی و سیاسی نیز مانند ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی بر اهداف و منابع و عملکردهای علمی تأثیر می‌گذارد (رسنیک، ۲۰۰۷). اکثر دانشگاه‌ها و سازمان‌های تحقیقاتی بدون کمک‌های مالی

و خصوصی نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند (لانجینو، ۱۹۹۰). پول نقش اساسی را در بررسی مسائل خاصی ایفا می‌کند و این‌که چه کسی آن را مطالعه خواهد کرد و چگونه آن مطالعه خواهد شد و این‌که در چه صورتی نتایج آن منتشر خواهد شد.

از آنجا که علم در درون جامعه شکل می‌گیرد و با حمایت و کمک‌های مالی عمومی همراه است، از این‌رو، دانشمندان دارای مسئولیت‌های اجتماعی هستند (شردر و فرچت، ۱۹۹۴) و باید در جهت منافع جامعه عمل کنند. از این‌رو، علم دارای چندین خصیصه اجتماعی یا حرفه‌ای است. بنابراین، باید به نکاتی چند توجه داشت: نخست، هر حرفه‌ای چیزی بیش از یک شغل است؛ علم نیز یک حرفه یا شغل است. دوم، به خاطر این‌که حرفه‌ها فراهم آورنده کالاها و خدمات ارزشمندی هستند و می‌توانند دارای مسئولیت اجتماعی باشند (دیویس، ۱۹۹۵). از این‌رو، دانشمندان دارای مسئولیت اجتماعی هستند و می‌توانند به جامعه کمک نمایند. برای مثال، دانشمندان دارای وظیفه آموزش به عموم مردم هستند و باید اطلاعات و توصیه‌های لازم را برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ارائه کنند. سوم، اگرچه حرفه‌ها دارای مسئولیت اجتماعی هستند، اما آنها دارای میزان زیادی از استقلال نیز هستند، و جامعه به افراد امکان خودتنظیمی را می‌دهد (بایلز، ۱۹۸۸) دانشمندان همچنین خودتنظیم‌گر نیز هستند. دانشمندان نیز قواعد خاص خود را برای طراحی آزمایش‌ها، نحوه استنتاج از داده‌ها، انتشار نتایج و نظایر آن دارند. دانشمندان تعیین می‌کنند که چه چیزی به منزله فعالیت علمی درست و مناسب تلقی شود. چهارم، حرفه‌ها دارای قواعد اخلاقی خاص خود برای دستیابی به خود<sup>۰</sup> تنظیمی و ارتقای مسئولیت اجتماعی هستند.

در اینجا به بیان سؤال‌های تحقیق می‌پردازیم:

۱) دلایل اهمیت یافتن اخلاق در جامعه‌شناسی کاربردی چیست؟

نزدیکی دارد. اخلاقیات نیز واژه یونانی است که بر آداب و عادات دلالت می‌کند. هرچند در بسیاری از موارد این دو کلمه به یک معنا به کار رفته‌اند، ولی از دیدگاه نظریه‌پردازان معاصر دایره معنایی اخلاق وسیع‌تر از واژه اخلاقیات است. به هر روی، اصطلاح اخلاق در معنای کلاسیک آن بیشتر ناظر به علم اخلاق بوده و به بررسی و تبیین خوی‌ها و عادات‌ها یا فضایل و رذایل پرداخته است، ولی امروز به عنوان شاخه‌ای از شاخه‌های فلسفه مورد توجه قرار گرفته و از این منظر نه به عنوان اخلاق، بلکه به عنوان «فلسفه اخلاق» تعریف گردیده است. فلسفه اخلاق را به طور مختصر می‌توان مجموعه‌ای از تأملات فلسفی درباره موضوع‌های مربوط به اخلاق دانست. این شاخه فلسفی حکم مبادی و مقدمه ورود به اخلاق را دارد. برای مثال، اگر در اخلاق گفته شود که فلان عمل را باید یا نباید انجام داد، فلسفه اخلاق عهده‌دار تبیین مفهوم «باید و نباید» در این گونه گزاره‌های اخلاقی می‌شود (رحمتی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

فیلسوفان و علمای الهیات و دیگر دانشمندان نظریه‌ها و اصول اخلاقی بسیاری را ارائه کرده‌اند. اگرچه تعاریف متفاوتی در اخلاق وجود دارد، در اینجا چهار مفهوم از اصطلاح اخلاقی مد نظر است: الف) انواع اخلاق به منزله معیارهای عملکرد که میان خوب و بد، درست و نادرست و نظایر آن تمایز قائل می‌شود. ب) اخلاق یک رشته علمی است که به مطالعه معیارهای عملکرد می‌پردازد. ج) اخلاق به عنوان یک رهیافت در زمینه تصمیم‌گیری عمل می‌کند. د) اخلاق به منزله وضعیتی از منش عمل می‌کند (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۵۱).

اخلاق یک رشته دانشگاهی و شاخه‌ای از فلسفه (فلسفه اخلاق) است که در پی پاسخگویی به سؤال‌های قدیمی در مورد وظیفه، درست‌ی و صداقت، فضیلت، عدالت، زندگی نیک و نظایر آن است. سؤال‌هایی که توسط فلاسفه اخلاق پرسیده می‌شود، جنبه هنجاری دارند تا توصیفی؛ بدین معنا که آنها می‌پرسند چگونه باید

۲) رعایت معیارهای اخلاقی چگونه می‌تواند به عملکرد موفقیت‌آمیز جامعه‌شناسی کاربردی کمک کند؟

۳) جامعه‌شناسی کاربردی چه مسؤولیت اخلاقی در برابر مددجویان دارد؟

۴) رعایت معیارهای اخلاقی چگونه می‌تواند به حل و فصل مسائل اجتماعی کمک کند؟

۵) مسؤولیت اخلاق جامعه‌شناسی در تحقیقات و مداخلات اجتماعی چیست؟

۶) عدم رعایت موازین اخلاقی چه نتایجی نامناسبی ممکن است برای جامعه در پی داشته باشد؟

۷) مداخله جامعه‌شناس برای بهبود و رفع مسائل و مشکلات اجتماعی باید از چه موازین اخلاقی پیروی کند؟

۸) شایستگی حرفه‌ای جامعه‌شناس چه نتایجی عملی و اخلاقی برای کمک به حل و فصل مسائل اجتماعی دارد؟

۹) رعایت اخلاق و انصاف از جانب جامعه‌شناس چگونه می‌تواند به پیشبرد جامعه‌شناسی و بهبود وضعیت جامعه کمک کند؟

۱۰) چگونه می‌توان در تحقیقات جامعه‌شناسی کاربردی به یکپارچگی دست یافت؟

۱۱) جامعه‌شناس چگونه شأن و منزلت افراد مورد تحقیق را رعایت کند؟

۱۲) در تحقیقات جامعه‌شناسی کاربردی حفظ اسرار و حریم خصوصی افراد چه اهمیتی دارد؟

### مبانی نظری اخلاق

اخلاق در لغت جمع واژه خُلُق به معنای خوی‌هاست. در اصطلاح علم مطالعه ارزش‌گذاری بر خوی‌ها و رفتار آدمی است. دانش اخلاق به بررسی اخلاقیات می‌پردازد (آهنگری، ۱۳۸۶: ۱۱). اصطلاح اخلاق از واژه یونانی به معنای صفات، خصایص و ویژگی‌ها گرفته شده است. این اصطلاح با واژه دیگری یعنی اخلاقیات<sup>۱</sup> نیز ارتباط

<sup>۱</sup> Morality

### اخلاق کاربردی

اخلاق کاربردی در واقع بحث‌های مربوط به همه زندگی است. اخلاق کاربردی با بحث‌های متنوع خود همه عرصه‌های کار و فعالیت بشری را با دغدغه اخلاقی درگیر می‌کند و اخلاق را در ردیف اساسی‌ترین نیازهای زندگی انسانی می‌نشانند. اخلاق کاربردی به مسائل ملموس و رایج اخلاقی می‌پردازد که مردم در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود با آنها سروکار دارند و به دنبال حل مؤثر معماهای اخلاقی است (اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۹).

اخلاق کاربردی به بحث درباره نحوه به کارگیری نظریه‌های اخلاقی هنجاری در امور گوناگون می‌پردازد (دباغ، ۱۳۸۶: ۴). اخلاق کاربردی با تمرکز بر موارد عینی و جزئی و تلاش برای حل معضلات اخلاقی، از فرا اخلاق و نظریه‌های هنجاری متمایز می‌شود. این شاخه عملاً از سال ۱۹۶۰ به عنوان شاخه‌ای از اخلاق مطرح گردید. پیش از سال ۱۹۶۰ نظریه اخلاق هنجاری و فرا- اخلاق بخش اصلی فلسفه اخلاق را تشکیل می‌داد، اما بتدریج گرایش نویسندگان و فیلسوفان به علل و بررسی مسائل مربوط به جنگ ویتنام، تبعیض نژادی، بی‌عدالتی اجتماعی، به انضمام پرسش‌های اخلاق مربوط به حوزه پزشکی و علوم زیستی و یافتن راه حل برای معضلاتی مشابه این، باعث روی آوردن جدی به این حوزه فکری شد (خزاعی، ۱۳۸۶: ۱۷۶). عموماً اخلاق کاربردی با تمرکز ویژه بر مباحث مربوط به کاربرد، از علم اخلاق متمایز می‌شود. به این ترتیب، اخلاق کاربردی شامل اخلاق پزشکی، اخلاق زیست<sup>۵</sup> محیطی و ارزیابی پیامدهای اجتماعی تغییرات علمی و تکنولوژیک و همچنین، موضوع سیاستگذاری‌ها در حوزه‌هایی مانند: بهداشت، کار و شغل یا روزنامه‌نگاری می‌شود. اخلاق کاربردی به قواعد حرفه‌ای و مسئولیت‌ها در این حوزه‌ها می‌پردازد (برندا، ۱۳۸۶: ۲۱۴). در اخلاق کاربردی برحسب این که در اخلاق هنجاری چه رویکردی را برگرفته‌ایم،

زندگی کرد، جامعه چگونه باید ساماندهی شود. رشته‌های گوناگون در علوم اجتماعی و رفتاری مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، رویکردی توصیفی به مسائل اخلاقی در پیش می‌گیرند. آنها می‌کوشند به توصیف و تبیین باورها، نگرش‌ها و رفتارهای اخلاقی بپردازند. هرچند واقعیات مرتبط با باورها، نگرش‌ها و رفتارها می‌توانند به سؤال‌های هنجاری منجر شوند، اما آنها نمی‌توانند مسائل اخلاقی فی‌نفسه را حل کنند، زیرا سؤال‌های اخلاقی مستلزم پاسخ‌های هنجاری است. مطالعه اخلاق را می‌توان به دو بخش اخلاق نظری (یا هنجاری) و بخش عملی یا کاربردی اخلاق تقسیم کرد. بخش نظری به مطالعه نظریه‌های کلی، مفاهیم و اصول اخلاقی و فرا اخلاق می‌پردازد و فرااخلاق به مطالعه معنا و نحوه توجیه کلمات و واژه‌ها، مفاهیم و اصول اخلاقی می‌پردازد. دوم، بخش عملی و کاربردی اخلاق است که به مطالعه سؤال‌های اخلاقی می‌پردازد که در شرایط و حوزه‌های عملکردی مانند پزشکی و تجارت مطرح می‌شود (فرانکنا، ۱۹۷۳: ۹).

مطالعه اخلاق را می‌توان به دو حوزه تقسیم کرد: نخست، حوزه مشترک که از بیشترین نفوذ در فعالیت‌های تحقیقاتی برخوردار است که اخلاق هنجاری یا نظریه‌های اخلاقی نامیده می‌شود. اینها چارچوب‌هایی هستند که برای تصمیم‌گیری برای انتخاب از میان گزینه‌های قابل دسترسی به کار برده می‌شوند. پیش‌فرض‌ها و ارزش‌هایی وجود دارند که شالوده اخلاق هنجاری را تشکیل می‌دهند. دومین حوزه را فرا- اخلاق می‌نامند که بیشتر به معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی تحقیق مربوط می‌شود یا معطوف به پیش‌فرض‌هایی است که درباره آنچه دانش و واقعیت را تشکیل می‌دهد و این که دانش چگونه به بهترین نحو ممکن بسط و گسترش می‌یابد، سخن می‌گوید (پریسل، ۲۰۰۸: ۲۷۴).

در مورد خوب یا بد بودن موارد عینی و عملی داوری می‌کنیم. به بیان دیگر، اخلاق کاربردی به بحث درباره نحوه به کارگیری نظریه اخلاق هنجاری در امور گوناگون می‌پردازد (دباغ، ۱۳۸۶: ۴).

اکنون به بررسی برخی از اصول اخلاقی مربوط به هریک از حوزه‌های خاص تحقیق علمی می‌پردازیم. برای فهم این اصول مهم است که میان اصول اخلاقی کلی و اصول اخلاقی خاص تمایز قائل شویم. اصول اخلاقی عام در مورد همه افراد جامعه به کار برده می‌شود، اما قواعد اخلاقی خاص در مورد افرادی به کار برده می‌شود که نقش‌ها، موقعیت مشاغل یا حرفه اجتماعی، مانند: پزشک، وکیل یا والدین را بر عهده دارند (بایلز، ۱۹۸۸). قاعده «داده‌های تحقیق را دستکاری نکنید» در مورد دانشمندان به کار می‌رود. به هر روی، هنگامی که افراد وارد حرفه‌ای می‌شوند، به طور ضمنی یا آشکار قبول دارند که باید از قواعد اخلاقی آن حرفه پیروی کنند؛ مثلاً پزشکان سوگند نامه بقراط را دارند و سایر حرفه‌های دیگر هم به اصول اخلاقی آن حرفه سوگند یاد می‌کنند. از این رو، دانشمندان نیز افراد حرفه‌ای هستند که واجد قواعد اخلاقی در زمینه رشته خود هستند.

استدلال ما این بود که اصول نظریه‌های اخلاقی عام، قضاوت‌های ما را در باره درست یا نادرست، خوب یا بد و نظایر آن را به صورت منظم در می‌آورند و اصول اخلاقی نیز قضاوت‌های ما را درباره حق و ناحق (خوب و بد) به صورت منظم در می‌آورند. با توجه به نقش‌های اجتماعی خاص (مشاغل، موقعیت‌ها یا حرفه‌ها) اصول اخلاقی خاص صرفاً کاربرد اصول کلی یا نقش‌های اجتماعی خاص نیست. هنگامی که در مورد حق یا ناحق مرتبط با نقش‌های اجتماعی قضاوت می‌کنیم، این قضاوت مبتنی بر فهم ما از آن اصول کلی اخلاقی و فهم خود از آن نقش اجتماعی است که ایفا می‌کنیم. اصل اخلاقی کلی «صادق و درستکار باشید»، را در مورد عملکرد علمی به کار می‌بریم. مانند هنگامی که به ثبت

اطلاعات، گزارش دادن، تحلیل و تفسیر داده‌ها می‌پردازیم. هر اصل اخلاقی در علم شامل عناصری است که خاص آن علم است. در نتیجه، دستکاری در علم می‌تواند از دستکاری در زمینه سایر نقش‌های اجتماعی متفاوت باشد. از این رو، در قضاوت‌های اخلاقی مرتبط با یک حرفه مانند علم ما باید موارد زیر را مد نظر قرار دهیم: الف) اهداف آن حرفه؛ ب) تعامل میان اعضای حرفه؛ ج) تعاملات میان اعضای حرفه و جامعه؛ برای مثال، دستکاری داده‌ها کاری نادرست است، زیرا شعار با هدف حقیقت‌جویی علم است و بدینسان، دستکاری داده‌ها نقض یک قاعده اخلاقی پذیرفته شده؛ یعنی «دستکاری» است. همچنین، این که دزدی ایده دیگران به لحاظ اخلاقی کار نادرستی است.

### مفهوم جامعه‌شناسی کاربردی

جامعه‌شناسی کاربردی به معنای کاربرد نظریه‌ها، روش‌ها و تحقیقات جامعه‌شناختی برای انجام مداخله مستقیم در امور اجتماعی و انجام تغییرات اجتماعی مثبت برای حل و فصل مسائل اجتماعی است. وجه مشخص عملکرد جامعه‌شناختی، درگیری مستقیم و دخالت دادن جامعه‌شناس در برنامه‌ریزی‌ها و اقدام به حل مسأله برای ایجاد تغییرات اجتماعی است (بروهن و هوارد، ۲۰۰۷: ۱۳).

نخستین جامعه‌شناسان و به ویژه جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، در پی حل مسائل اجتماعی زمان خودشان برآمدند. از این رو، نمی‌توان انکار کرد که مطالعات جامعه‌شناختی دارای تأثیر مستقیمی بر مسائلی هستند که جامعه امروزی با آن روبه روست. مطالعات جامعه‌شناختی می‌تواند در پی مکشوف ساختن علل مسائل اجتماعی برآید و در ارائه راه حل‌ها به ما کمک کند. از این رو، ما می‌توانیم به تعریف عملگرایی<sup>۱</sup> جامعه‌شناختی بپردازیم؛ به گونه‌ای که ما را در حل مسائل اجتماعی کمک کند. از این رو، نکته مهم مشخص

<sup>1</sup> Practice

اجرای عملی راهبردها برای تغییر و حل مسأله باشد. عملگرایی جامعه‌شناختی در برگیرنده مشارکت فعال و مداوم به عنوان یک عامل مداخله و تغییر است (بروهن و هوارد، ۲۰۰۷).

این برای جامعه‌شناسان امری غیرمعمولی نیست که به عنوان شهروند نگران رفاه افراد باشند و آن را در کانون توجه قرار دهند. و از دانش خود برای حل مسائل اجتماعی استفاده کنند که در مرکز توجه و نگرانی آنهاست. برای مثال، دنتلر (۲۰۰۵) به خاطر تعهد شخصی که در مورد اجرای عدالت نژادی و عدم تفکیک نژادی مدارس و فرصت‌های آموزشی برابر در مورد اقلیت‌ها و زنان دارد، از جامعه‌شناسی کاربردی بهره می‌جوید. به هر حال، جامعه‌شناسی از طریق کارکردن با مددجویان است که به مداخله جامعه‌شناختی می‌پردازد. از این‌رو، عملگرایی جامعه‌شناختی دارای یک فرمول ساختاردهنده است که به نحو حرفه‌ای به ارائه ابزار می‌پردازد و به صورتی شناخته شده در می‌آورد. افراد و گروه‌ها برای دریافت کمک برای حل مسائل خود به برقراری ارتباط می‌پردازند.

کار مداخله در زمینه تغییر رفتارها یا شرایطی است که برخی از اشخاص یا گروه آن را به منزله امری مسأله انگیز تلقی می‌کنند. افزون بر آن، شخص یا گروه ممکن است با مسأله‌ای روبه‌رو شوند که در این صورت نیاز به کمک احساس می‌شود. از این‌رو، ممکن است راه حل مسأله مستلزم تخصص و مهارت‌هایی باشد که فراتر از منابعی باشد که در اختیار آنان است.

تعریفی که از هویت مددجو انجام می‌شود، متفاوت است. استفاده از این تعریف برای تمایز نهادن میان اصطلاح مددجو و نظام مددجویی مفید است.

#### مداخله اجتماعی در جامعه‌شناسی کاربردی

یکی از وظایف و مسؤولیت‌های جامعه‌شناسی کاربردی انجام مداخلات اجتماعی است. از این‌رو، محققان

کردن آن چیزی است که مسأله اجتماعی محسوب می‌شود یا مسأله اجتماعی تلقی نمی‌شود. فردی که به مراقبت‌های بهداشتی دسترسی ندارد، می‌تواند تشخیص دهد که او دارای یک معضل یا معضل است. با این حال، هنگامی که گروهی از افراد با این معضل و مشکل روبه‌رو هستند، کم‌کم تشخیص داده می‌شود که چیزی بیشتر از یک مسأله اجتماعی وجود دارد. از این‌رو، برای این که یک مشکل، مسأله اجتماعی تلقی شود، باید یک نسبت مهم و در خور توجهی از اعضای گروه تحت تأثیر آن مسأله باشند (بروهن و هوارد، ۲۰۰۷: ۲).

ویژگی اصلی یک مسأله اجتماعی آن است که ناشی از ترتیبات اجتماعی است و توسط همین شرایط اجتماعی نیز حفظ شده، تداوم می‌یابد. ترتیبات اجتماعی شامل هنجارها، قواعد، سیاست‌گذاری‌ها، آداب و رسوم، عملکردها، ایدئولوژی‌ها و همه دیگر عواملی است که به زندگی اجتماعی الگو می‌دهد و آن را تعیین می‌کند.

#### رهیافت عملگرایی و جامعه‌شناختی کاربردی

رهیافت عملگرایی جامعه‌شناختی مدلی است که در میان مجموعه بزرگتر جامعه‌شناسی کاربردی قرار دارد. یکی از شکل‌های بسیار مهم و سودمند عملگرایی جامعه‌شناختی این است که از تحقیق اجتماعی کاربردی استفاده می‌کند. این جامعه‌شناسان از مهارت‌های تخصصی خود برای مجهز کردن مددجویان و سازمان‌ها به داده‌هایی استفاده می‌کنند که به توصیف نظام‌های اجتماعی و حوزه مسأله‌دار و مسائل نیازمند به تغییر می‌پردازند. این‌گونه محققان اجتماعی همچنین برای تعیین میزان کارایی برنامه‌هایی که می‌تواند راهنمای توسعه برنامه‌ها باشد، به انجام تحقیقات ارزیابانه می‌پردازند. وجه مشخص و ویژگی منحصر به فرد رویکرد عملگرایی اجتماعی این است که مشارکت فعال و مداوم در زمینه نظام‌های مددجویی دارد که این شاید به منزله بخشی از یک تیم باشد که از بینش‌های جامعه‌شناختی برای کمک به برنامه

مداخله‌گر کسانی هستند که هم به عنوان متوکیان مراقبت‌های اجتماعی و بهداشتی دارای مسؤولیت هستند، هم کسانی هستند که به اجرای تحقیق می‌پردازند (فولر و پیچ، ۱۹۹۵؛ رابسون، ۱۹۹۳).

از آنجا که مسأله اجتماعی دارای یک مبنای اجتماعی است، از این رو، تغییر اجتماعی امکان‌پذیر است. ایتزن و باکان<sup>۱</sup> معتقدند که ترتیبات اجتماعی توسط انسان‌ها ایجاد شده و توسط آنها نیز می‌تواند تغییر کند. متوکیان امور اجتماعی خودشان می‌توانند عامل تغییر اجتماعی در رفتار بخش کوچک یا بزرگی از نظام مددجویی باشند. این به معنای ایجاد ترتیبات اجتماعی نوینی است. مداخله همچنین مستلزم مشخص نمودن و تعیین اهداف به گونه‌ای واقع‌گرایانه و انجام راهبردهای دستیابی به اهداف و هدایت مداوم فرایندها برای مشاهده این است که آن به چه نحوی و چگونه عمل می‌کند. مداخله به عنوان فرایندی حرفه‌ای باید از تعریف مسأله مبتنی بر داده‌هایی تبعیت کند. این داده‌ها به روش‌های قابل پذیرش گردآوری شده‌اند که متضمن پایایی و روایی است. توصیه‌هایی که از مبنای نظری به دست می‌آیند، و باید به واسطه حمایت از نتایج تجربی تقویت شود (ایتزن و باکان، ۲۰۰۴: ۵۶۴).

برای ارائه راهبردها برای تغییر، مداخله باید با یک ارزیابی کامل شروع شود. توسعه راهبردها برای تغییر مستلزم یک فهم عمیق از شرایط موجود، زمینه‌ها و نظام اجتماعی است. آن همچنین مستلزم تعریف دقیق مسأله و فهم روشن از عواملی است که موجب تداوم مسأله می‌شود. باید نسبت به چیزی که باید تغییر کند فهم روشنی داشت و حتی داشتن آگاهی نسبت آنچه می‌تواند یا نمی‌تواند تغییر کند.

ایتزن و باکازین (۲۰۰۴) همچنین معتقدند که تغییر اجتماعی فرایندی اجتماعی است. حل مسأله مستلزم کنش جمعی است. مداخله جامعه‌شناختی یک فرایند

پویای اجتماعی است که مستلزم همکاری میان جامعه‌شناسان دست‌اندرکار و اعضای یک نظام مددجویی (خواستار کمک) است. برای کسب موفقیت، جامعه‌شناس به منزله یک عامل تغییر باید بتواند به مذاکره پیرامون روابطی پردازد که به گونه‌ای مؤثر عمل می‌کند. جامعه‌شناس حرفه‌ای بر مبنای دانش و تجربه عملی به ارائه بینش‌های جامعه‌شناختی مناسب می‌پردازد. تعریف مسأله عملی از طریق ارزیابی، ارائه نتایج و مذاکره با افراد مددجو به صورت عینی در می‌آید. معرفت و تجربه عملی که از گفتگو با مددجو به دست آمده، ممکن است به توصیه برای کنش منجر شود. هدف ایجاد ترتیباتی است که سبب تحقق مسأله و تأمین منفعت مددجوست، اما پذیرش تغییر حتی تغییراتی که مطلوب و سودمند باشد، گاهی برای انسان‌ها دشوار است. اما هرچه نظام اجتماعی پیچیده‌تر باشد، و تعداد افراد بیشتری را درگیر کند، مشکلات بیشتری هم در نهادینه کردن این تغییر خواهد داشت. هنگامی که مداخله در چند سطح صورت می‌گیرد، باید توجه داشت تغییراتی که در یک سطح برای حل مسأله ارائه می‌شود، نباید موجب پیدایش نتایج نامناسب و مسائل در سطوح دیگر باشد (همان منبع). اخلاق متضمن هنجارهای عملی است که سبب تمایز رفتار قابل پذیرش از رفتار غیرقابل پذیرش می‌گردد. هنجارهای اخلاقی بسیار فراگیر هستند؛ به گونه‌ای که گاه تصور می‌شود آنها جزئی از معرفت عامه محسوب می‌شوند (رسنیک، ۱۹۹۸). همه انسان‌ها برخی از معیارهای اخلاقی مشترک را قبول دارند، اما افراد مختلف تفاسیری که به کار می‌برند و تعادلی که در پرتو ارزش‌ها و تجربیات شخصی خود برقرار می‌کنند، متفاوت است. بسیاری از رشته‌ها و حرفه‌های مختلف دارای هنجارهایی برای رفتار هستند که به تثبیت اهداف خاص خود می‌پردازند. این هنجارها به اعضای یک رشته خاص کمک می‌کنند تا به انطباق کنش و اعتماد عمومی رشته پردازند.

<sup>1</sup> Eitzen and Bacazinn



### اخلاق حرفه‌ای در جامعه‌شناسی کاربردی

اخلاق به ارائه اصول و معیارهای اخلاقی می‌پردازد که زیربنای مسئولیت‌ها و عملکرد حرفه‌ای است. این اصول و معیارها، هنگامی که فعالیت‌های حرفه‌ای روزمره بررسی می‌شوند، باید به منزله اصول راهنما به کار روند. این اصول تشکیل‌دهنده احکام هنجاری برای جامعه‌شناسان هستند. همچنین، این اصول به ارائه راهنمایی در باره اصولی می‌پردازند که جامعه‌شناسان ممکن است در کار حرفه‌ای خود با آن روبه‌رو شوند (کلیفزنوتس، ۲۰۱۱).

برخی از انجمن‌های حرفه‌ای برخی از قواعد و راهبردهای اخلاقی را در مورد رفتار اخلاقی و تقویت آن پذیرفته‌اند. انجمن جامعه‌شناسی آمریکا نیز چنین قوانینی را تصویب نموده است. این قواعد به تلخیص اصول و معیارهایی می‌پردازند که جامعه‌شناسان باید در فعالیت‌های حرفه‌ای روزمره خود رعایت کنند. این قوانین متضمن احکام هنجاری برای جامعه‌شناسان هستند و به ارائه راهنمایی در مورد مسائلی می‌پردازند که آنها ممکن است در کار حرفه‌ای خود با آن روبه‌رو شوند. این قوانین همچنین همراه با رویه‌هایی برای پژوهش و حل و فصل شکایت‌هایی است که در مورد عملکرد غیراخلاقی صورت می‌گیرد. انجمن جامعه‌شناسی آمریکا اعضا را موظف کرده که این قواعد اخلاقی را اجرا کنند و از خط‌مشی و اصول مورد نظر کمیته انجمن جامعه‌شناسی آمریکا در مورد مسائل اخلاقی پیروی نمایند<sup>۱</sup>. پنج اصل کلی وجود دارد که جامعه‌شناسان باید در زمینه‌های گوناگون از آنها پیروی نمایند. این اصول عبارتند از: شایستگی حرفه‌ای، یکپارچگی، مسئولیت اخلاقی و علمی، احترام برای حقوق و شأن و منزلت انسان‌ها، پذیرش تنوع و مسئولیت اجتماعی. علاوه بر اصول فوق، برخی از اندیشمندان به اصول دیگری مانند رازداری و نظایر آن اشاره کرده‌اند که این اصول نیز در

اینجا آورده می‌شود.

منشور اخلاقی جدید برای انجمن جامعه‌شناسی کاربردی و انجمن جامعه‌شناسی عملگرا به شرح ذیل خوانده می‌شود:

«به عنوان متولی جامعه‌شناسی ما متعهد به افزایش دانش خود در مورد رفتار اجتماعی و کاربرد این دانش برای بهبود و افزایش رفاه انسان‌ها و پرداختن به حل مسائل مهم اجتماعی هستیم. ما در ضمن این که این اهداف را دنبال می‌کنیم، می‌کوشیم رفاه هر فرد، گروه یا سازمانی را که مشغول مطالعه یا کمک به آن هستیم، حفظ و به آن کمک کنیم. ما از مهارت‌هایمان در راه اهدافی استفاده می‌کنیم که همخوان با این ارزش‌ها باشد و به نحوی آگاهانه اجازه نمی‌دهیم که دیگران از اینها سوء استفاده نمایند. ما به عنوان متولیان جامعه‌شناسی ضمن این که خواهان آزادی پژوهش و ارتباط هستیم، اما پذیرای مسئولیت‌هایی نیز هستیم که این آزادی‌ها را به بار می‌آورد»<sup>۲</sup>.

#### شایستگی<sup>۳</sup> حرفه‌ای جامعه‌شناس

جامعه‌شناسان می‌کوشند که بالاترین سطح شایستگی حرفه‌ای را در فعالیت‌های حرفه‌ای خود حفظ کنند. آنها محدودیت‌های تخصصی‌شان را تصدیق می‌کنند. آنها صرفاً وظایفی را می‌پذیرند که در زمینه آنها آموزش، تخصص و تجربه داشته باشند. آنها از منابع علمی، حرفه‌ای، فنی و اداری مناسبی استفاده می‌کنند. این منابع شایستگی آنها را در زمینه فعالیت‌های حرفه‌ای‌شان تضمین می‌کند و هنگامی که مصلحت دانشجویان، مشارکت‌جویان در تحقیق و مددجویان اقتضا کند، با سایر افراد حرفه‌ای مشورت می‌کنند (کلیفزنوتس، ۲۰۱۱).

شایستگی به دانش و مهارت متولیان اشاره می‌کند و شامل مسائلی مانند آموزش و داشتن مدرک برای انجام

<sup>۲</sup> www.asanet.org

<sup>۳</sup> Competence

<sup>۱</sup> www.asanet.org

محدودیت‌هایشان آگاه باشند. هنگامی که یک موقعیت مسأله‌دار خارج از دامنه حرفه‌ای مهارت‌ها، آموزش و توانمندی‌هاست، مناسبترین پاسخ این است که به آگاهی مددجویان رسانده شود.

### یکپارچگی در انجام تحقیق کاربردی

یکپارچگی یکی از اصول تحقیق کاربردی است. نظر بر این است که بهترین تحقیق آن است که یکپارچگی اخلاقی و فکری را در یکدیگر ادغام کند (گرگوری، ۲۰۰۳: ۷۸؛ نقل شده در اسی، اینتگریتی: ۳۳). در این رویکرد بر فضیلت تحقیق تأکید می‌شود. گاهی اوقات این اصطلاح به عنوان مترادف راستی به کار می‌رود، اما در اینجا معنای گسترده‌تری از آن مد نظر است. از این‌رو، واژه یکپارچگی شاید تعالی یک منش باشد که اغلب در قواعد عملکرد در جهت رفتار خوب و مناسب ظاهر می‌شود. با این حال، در مورد معنای آن اختلاف نظر وجود دارد و معانی بسیار متفاوتی را به آن نسبت می‌دهند. ریشه یکپارچگی برگرفته از اصطلاح لاتین کل یا تمام و گویای این است که ادغام بخش‌های مختلف یک خود حقیقی به لحاظ جسمانی، روانی و شاید اجتماعی صورت می‌گیرد. آن معطوف به توسعه یک هویت یکپارچه به منزله یک شخص یا احتمالاً یک فرد حرفه‌ای است که این کارکردها را انجام می‌دهد (مکفرلان، ۲۰۰۸: ۳۳). فجلستورم (۲۰۰۵) معتقد است که یکپارچگی می‌تواند بیشتر به معنای داشتن حقوق معینی تلقی شود، مانند آن حقوقی که مرتبط با شهروندان یا داشتن مالکیت است. از این‌رو، کسی نباید یکپارچگی امور خصوصی یا دارایی خصوصی کسی را نقض کند (بیچامپ و چایلدرس، ۱۹۸۹: ۳۵).

سرانجام این که یکپارچگی را می‌توان به منزله احترام به ارزش ذاتی هر فردی و شأن انسانی او تلقی کرد. این تعریف مبتنی بر احترام برای افراد و همه دیگر شکل‌های

نقشی خاص است. شایستگی حاکی از این است که آیا یک دست‌اندرکار از کیفیت لازم برای آنچه باید انجام دهد، برخوردار است؟ آیا دست‌اندرکار از یک دانشگاه معتبر فارغ‌تحصیل شده است، بدین معنا که آیا از آموزش و تجربه لازم هنگام تحصیل برخوردار گردیده است. فریدسون معتقد است که داشتن مدرک شیوه‌ای دقیق و معمول برای تشخیص این شایستگی است. او می‌گوید اطلاعات کامل یکی از شرایط ضروری برای عملکرد یک بازار واقعاً آزاد است، فقط مصرف‌کنندگانی که از اطلاعات مفید و کامل برخوردار باشند، می‌توانند در میان کالاها و خدمات به گونه‌ای دست به انتخاب بزنند که به بهترین نحو به نفع آنان باشد. از این‌رو، اگر آنها اطلاعات لازم را نداشته باشند، وابسته به دیگران خواهند بود (برون و ریچ، ۲۰۰۷: ۲۵).

در سطح فردی دست‌اندرکاران به ارزیابی این می‌پردازند که چگونه آنها می‌توانند به گونه‌ای سودمند در وضعیت مورد نظر تغییرات لازم را پدید آورند. محاسبه‌پذیری<sup>۱</sup> برای دست‌اندرکاران یک ارزیابی اخلاقی از مداخله است؛ یعنی آیا دست‌اندرکار به انجام آنچه توافق کرده‌اند، مبادرت می‌کند و آیا آن را به شیوه‌ای انجام می‌دهد که به ارزش‌های مددجو احترام بگذارد. آیا مددجو ضمن این که تغییر می‌کند، دوباره یکپارچگی و انسجام خود را به دست می‌آورد. اگر مداخله به منزله نوعی همکاری و مشارکت نگریسته شود، دست‌اندرکار و مددجویان باید به گونه‌ای شخصی قابل محاسبه باشند. بنابراین، دست‌اندرکار از طریق کیفیت عملکرد و مددجو از طریق اعتقاد به دست‌اندرکار و تعهد به پیامد محاسبه می‌شود.

شایستگی دست‌اندرکاران در حفظ کیفیت کار و ارتقای معیارها و شهرت حوزه واجد ارزش اساسی است. شایستگی همچنین به معنای این است که افراد حرفه‌ای فاعلان قدرت هستند و از این‌رو، باید نسبت به

<sup>2</sup> Integrity

<sup>1</sup> Accountability

زندگی است (مکفران، ۲۰۰۸).

جامعه‌شناسان در ضمن فعالیت‌های حرفه‌ای‌شان، صداقت، انصاف و احترام را برای دیگران رعایت می‌کنند. فعالیت‌های حرفه‌ای شامل تحقیق، آموزش، عملکرد و خدمات است. جامعه‌شناسان آگاهانه به گونه‌ای عمل نمی‌کنند که موجب تهدید رفاه حرفه‌ای خود و دیگران شود. جامعه‌شناسان به شیوه‌ای به انجام امور می‌پردازند که مؤید اعتماد و اطمینان باشد. همچنین، آنها به گونه‌ای آگاهانه به ارائه گزاره‌هایی نمی‌پردازند که نادرست، گمراه‌کننده یا فریب‌آمیز باشد (کلیفزنوتس، ۲۰۱۱).

#### مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای و علمی جامعه‌شناسان

دانشمندان باید از وارد کردن صدمه و زیان به جامعه خودداری کنند و در جهت منافع جامعه بکوشند. آنها باید مسئولیت نتایج تحقیقاتشان را بپذیرند و نتایج آن را به اطلاع عموم برسانند. این اصل مبتنی بر این ایده است که دانشمندان دارای مسئولیت نسبت به جامعه هستند (شردر-فرچت، ۱۹۹۴). دانشمندان نباید دست به تحقیقاتی بزنند که نتایج آن موجب زیان به دیگران شود یا تأثیر منفی بر جامعه بگذارد. مسئولیت اجتماعی به معنای این است که دانشمندان دارای تعهد به انجام تحقیقات به لحاظ اجتماعی ارزشمند هستند. آنها باید در بحث عمومی مشارکت نمایند و در صورت درخواست به ارائه راهنمایی عمومی بپردازند و بدینسان به عمومی شدن علم کمک نمایند (رسنیک، ۱۹۹۸).

جامعه‌شناسان از بالاترین معیارهای علمی و حرفه‌ای طرفداری می‌کنند. آنها اگر با رهیافت‌های نظری، روش‌شناختی یا حتی فعالیت‌های حرفه‌ای دیگر جامعه‌شناسان موافق نباشند، بازهم برای آنها احترام قائل هستند، و مراقب رفتار اخلاقی خود و دیگر جامعه‌شناسان هستند که به اعتماد مورد نظر آسیبی نرسانند. از این‌رو، آنها در موقعیت مناسب با دیگر

همکاران مشورت می‌کنند تا از بروز رفتار غیراخلاقی جلوگیری نموده یا از آن پرهیز شود.

این اصل مرتبط با اصل مسئولیت‌پذیری است. مسئولیت‌پذیری ارتباط تنگاتنگی با محاسبه‌پذیری<sup>۱</sup> دارد. مسئولیت داشتن در قبال کیفیت و پیامدهای خدمات به معنای محاسبه‌پذیری برای آنان است. محاسبه‌پذیری هم در مورد دست‌اندرکاران و هم در مورد مددجویان به کار برده می‌شود و همچنین ممکن است در مورد نهادی به کار رود که دست‌اندرکار به آن وابسته است و در آن کار می‌کند. مسئولیت‌پذیری به معنای این است که دست‌اندرکار باید با مددجو با مراقبت لازم برخورد کند؛ بدین معنا که دست‌اندرکار به طور دقیق با دیگر افراد حرفه‌ای از دیگر نهادها مشورت می‌کند (هولدر، ۱۹۷۸).

ارزشی که با مسئولیت‌پذیری قویاً ارتباط می‌یابد، شایستگی است؛ یعنی دانستن آن چیزی که یک شخص انجام می‌دهد؛ دانستن محدودیت‌های دانش و مهارت حرفه‌ای یک شخص و دانستن این که در چه زمانی باید به آن رجوع کرد. مسئولیت همچنین به معنی تعهد دست‌اندرکاران به دنبال کردن پیشرفت مددجو است. این مهم است که او باید مددجو را بررسی کند، که آیا او فعالیت‌ها یا تغییراتی را که باید انجام می‌شده، دنبال کرده است و این که آیا آنها در نتیجه مداخله‌ای که اخیراً انجام داده‌اند، مسائلی جدیدی را تجربه کرده‌اند.

گاهی مداخلات دارای پیامدهای ناخواسته، زیان‌آور یا معکوس هستند. سیبر (۱۹۸۱) می‌گوید گاهی اوقات در صورتی که نتایج مداخله ارزیابی شود، ممکن است مشخص گردد که مداخلات تأثیرات معکوسی داشته است. بسیاری از نتایج مداخلات ناشناخته یا نامعین هستند. در واقع، برنامه‌هایی که برای دنبال کردن در پیش گرفته می‌شود، باید بخشی از برنامه مداخله باشد که توسط دست‌اندرکار و مددجو در ابتدا درباره آن بحث شده است. دنبال کردن مجدد دارای محدودیت‌های

<sup>1</sup> Accountability

عملی و اقتصادی خاص خود است.

دست‌اندرکاران به چند دلیل نمی‌خواهند وضعیت مددجویان خود را به صورت طولانی مدت دنبال کنند. نخست این که، این دنبال کردن سبب می‌شود که وقتی دست‌اندرکار برای داشتن رابطه با مددجو اختصاص داده، بیشتر از موعد مقرر طول بکشد؛ یعنی بیشتر از زمانی باشد که دست‌اندرکار برای داشتن رابطه در نظر داشته است؛ دوم، دست‌اندرکار ممکن است احساس مسؤلیت نکند نسبت به آنچه بعد از پایان رابطه رسمی اتفاق می‌افتد؛ سوم این که، دست‌اندرکار ممکن است نخواهد بداند یا رویاروی شود با آنچه نمی‌خواسته بدان پردازد و وقت خود را صرف این‌گونه امور بنماید؛ چهارم، ممکن است از ابتدا دست‌اندرکار و مددجو توافقی در جهت دنبال کردن صورت نداده باشند؛ پنجم این که، دنبال کردن ممکن است سبب شود که دست‌اندرکار وقت معینی را برای پایان دادن به رابطه در نظر نگیرد و ششم این که، دست‌اندرکار ممکن است وقت یا منابع لازم برای دنبال کردن مددجویان نداشته باشد.

برخی از مددجویان ممکن است نخواهند دنبال شوند. حفظ مرز میان مداخله و آنچه به منزله دخالت تلقی می‌شود، ممکن است هم برای دست‌اندرکار و هم مددجو عاملی مهم محسوب شود. همچنین نوع و مقدار اطلاعاتی که باید در دنبال کردن به دست آید، محدود شده است. بنابراین، این موضوع به نوع، حدود و میزان مداخله بستگی دارد. این اطلاعات ممکن است برای دست‌اندرکاران از حداقل سودمندی برخوردار باشد. فلاهرتی (۱۹۷۹) معتقد است ارزیابی که در مورد پیامدها صورت می‌گیرد، باید مرتبط با ارزیابی نیازی باشد در توافق اولیه میان دست‌اندرکار و مددجو مطرح گردیده است.

در سطح قانونی و حقوقی دست‌اندرکاران مسؤل مددجویان هستند. محاسبه‌پذیری قانونی به معنای چیزی بیشتر از نوشتن و شاهد آوردن است؛ آن به معنای این

است که دست‌اندرکاران به ارزیابی برخی از قوانین می‌پردازند که از حقوق مددجو و آزادی انتخاب او حفاظت می‌کند و بدینسان او تمایل دارد که در درون زمینه محدودیت‌های حقوقی عمل کند. حقوق ممکن است در پشت سر اخلاق قرار گیرد، از این‌رو، در برخی از موارد، این مداخلات باید هم بر حسب قانونمندی و هم اخلاقیات قابل محاسبه باشد. همچنین، یک تعهد حرفه‌ای به انتشار نتایج تجربیات با مداخلات مددجویان به عنوان مطالعات موردی یا مطالعات کنترل<sup>۱</sup> موردی وجود دارد (هوب، ۲۰۰۰).

جامعه‌شناسان از مسؤلیت حرفه‌ای و علمی خود نسبت به اجتماعات و جوامعی که در آنها زندگی و کار می‌کنند، آگاه هستند. آنها دانش خود را به کار می‌گیرند و آن را به صورت عمومی در می‌آورند، تا خیر آن به همه کس برسد<sup>۱</sup> (کلیفزنوتس، ۲۰۱۱).

پذیرش مسؤلیت از سوی دانشمندان به چند دلیل باید رعایت شود: نخست، اگر دانشمندان نمی‌توانند مسؤلیت نتایج غیرقابل انتظار را بپذیرند، دست کم می‌توانند مسؤلیت نتایج قابل انتظار را بپذیرند؛ دوم این که، دانشمندان چون عضو جامعه هستند، در قبال دیگر اعضای جامعه مسؤل هستند؛ سوم دانشمندان، در جهت ارتقای مزایای علم و پرهیز از آسیب‌های آن مسؤلیت حرفه‌ای دارند؛ چهارم، از دانشمندان به منزله افراد حرفه‌ای انتظار می‌رود که به تولید کالاها و خدمات به لحاظ اجتماعی ارزشمند پردازند. آنها در این جهت از میزان زیادی اقتدار، مسؤلیت و اعتماد برخوردارند (شردر و فرجت، ۱۹۹۴)؛ پنجم این که، مسؤلیت اجتماعی به نفع جامعه نیز هست، زیرا میزان حمایت عمومی از علم را بالا می‌برد. علمی که به لحاظ اجتماعی مسؤلیت‌پذیر باشد، باعث افزایش میزان حمایت عمومی از علم می‌شود، و علمی که به لحاظ اجتماعی مسؤلیت‌پذیر نباشد، باعث تضعیف حمایت عمومی از

<sup>1</sup> Public good

سودمندی<sup>۱</sup> نقش کلیدی در کاربرد اصول عدم زیان بخشی و مفید بودن ایفا می‌کند. براساس دیدگاه معیار، سودمندی‌ها و آسیب‌ها را می‌توان براساس منافع فهمید. منفعت یک فرد؛ یعنی بسط و گسترش یا بسط و پیشرفت منافع آنها. آسیب وارد کردن نیز به معنای تضعیف یا تهدید نمودن منافع آنهاست. منفعت چیزی است که هر فرد عاقلی خواهان آن است یا بدان نیاز دارد، که شامل غذا، سرپناه، بهداشت، عشق، عزت نفس و احترام و رهایی از درد و رنج می‌شود (شامو و رسنیک، ۲۰۰۹: ۲۳).

توجه به آسایش افراد مورد تحقیق، مددجویان و دانشجویان بستگی به احترام برای اشخاص دارد. احترام به معنای به رسمیت شناختن ارزش افراد مددجو از سوی دست‌اندرکاران است. اغلب در رابطه‌ای که میان افراد مورد تحقیق، مددجویان و دانشجویان با دست‌اندرکار وجود دارد، تفاوتی پایگاهی وجود دارد؛ بدین‌گونه که افراد حرفه‌ای از پایگاه، دانش، مهارت‌ها و قدرت بالاتری در این رابطه برخوردارند. حرفه‌ای‌ها احترامی که برای افراد مورد تحقیق، مددجویان و دانشجویان قائل هستند، از طریق بسط رابطه با آنها به عنوان همکاران در هنگام حل مسأله نشان می‌دهند. این نشان می‌دهد که افراد درباره آنچه برای آنها اتفاق افتاده، دارای توانمندی و حق تصمیم‌گیری هستند. از همین رو، این اصل حاکی از این است که آسایش و رفاه خود و دیگران را بسط و گسترش دهید. دو مفهوم مهم مرتبط؛ یعنی زیان و سودمندی نقش کلیدی در کاربرد اصول عدم زیان بخشی و مفید بودن ایفا می‌کند. براساس دیدگاه معیار، سودمندی و آسیب‌ها را می‌توان براساس منافع فهمید. منفعت یک فرد؛ یعنی بسط و گسترش منافع آنها. آسیب وارد کردن نیز به معنای تضعیف یا تهدید آنهاست (شامو و رسنیک، ۲۰۰۹: ۲۳).

علم می‌شود (سلاکی، ۱۹۹۳). علم به جامعه می‌تواند با تصویر منفی از عدم مسؤولیت‌پذیری دانشمندان مقابله نماید (نلکین، ۱۹۹۵).

### احترام برای حقوق و شأن مددجویان

جامعه‌شناسان به حقوق، شأن و ارزش همه انسان‌ها احترام می‌گذارند. آنها می‌کوشند سوگیری‌ها را در فعالیت‌های حرفه‌ای خود حذف کنند، آنها به هیچ وجه انواع تبعیض مبتنی بر سن، جنسیت، نژاد، قومیت، خاستگاه قومی و ملی و دین را نمی‌پذیرند. آنها هنگامی که به آموزش و مطالعه افراد با ویژگی‌های متمایز می‌پردازند، نسبت به تفاوت‌های فرهنگی، فردی و مبتنی بر نقش حساسیت دارند. جامعه‌شناسان در همه فعالیت‌های مرتبط با کارشان حق دیگران برای داشتن ارزش‌ها، نگرش‌ها و عقاید متفاوت را می‌پذیرند. می‌توان گفت که احترام متقابل نیز دارای مبنای اخلاقی است. همچنین، رعایت این اصل در رسیدن به اهداف علم کمک می‌کند. اجتماع علمی مبتنی بر همکاری و اعتماد متقابل است و در صورتی که احترام متقابل رعایت نشود، همکاری و اعتماد از میان رفته، سبب فروپاشی اجتماعی علمی می‌شود (وایتیک، ۱۹۹۵) بدون احترام متقابل ساختار اجتماعی علمی از میان می‌رود و به جستجوی اهداف علم خدشه وارد می‌شود. این حاکی از این است که دانشمندان نباید به لحاظ جسمانی یا روانی به یکدیگر آسیب وارد کنند، بلکه باید برای امور خصوصی و شخصی یکدیگر احترام قائل شوند (ماتر و دیگران، ۲۰۰۵).

### آسایش و بهزیستی افراد مورد تحقیق، مددجویان و دانشجویان

این اصل حالی از این است که آسایش و رفاه خود و دیگران را بسط و گسترش دهید. دو مفهوم زیان و

<sup>1</sup> Harm and Benefit

### رازداری در جامعه‌شناسی کاربردی

رازداری به معنای به رسمیت شناختن این است که اطلاعاتی که به طور مشترک در زمینه رابطه دست‌اندرکار و مددجو وجود دارد، باید حفظ شود و نباید دیگران از آن آگاه شوند. توافق بر سر رازداری بیانگر اعتماد متقابل است. بیشتر فرایند ایجاد و کیفیت رابطه، پیرامون رازداری دور می‌زند. دست‌اندرکاران جامعه‌شناسی نقش و روابط مختلفی را انجام می‌دهند که از جمله شامل آموزش، مشاوره، درمان و مشاوره است. برخی از نهادها ایجاب می‌کند که اطلاعات به صورت مشترک با دیگران وجود داشته باشد. برای مثال، مشاوره با یک اجتماع درباره فرقه‌گرایی نژادی، یا انجام میانجیگری در یک مناقشه سازمانی یا انجام درمان خانوادگی مستلزم این است که مددجو و متخصص با یکدیگر گفتگو کنند و بر سر میزان و حدود رازداری با یکدیگر توافق نمایند. از این رو، رازداری مطلق امکان‌پذیر نیست. برای مثال، یک متخصص باید چه اطلاعاتی از مددجو به یک کارفرما یا شرکت بیمه بدهد؟ رازداری حرفه‌ای الزام‌آورترین روابط حرفه‌ای است، زیرا نقض آن نه تنها به مددجو، بلکه به حرفه و سلامت جامعه نیز زیان وارد می‌آورد.

می‌توان گفت که بارزترین آسیب برای مشارکت‌کننده، افشای اطلاعاتی است که وی در اختیار پژوهشگر قرار داده و ممکن است حریم خصوصی، زندگی خانوادگی و روابط اجتماعی وی را به مخاطره بیندازد. به هر روی، وظیفه پژوهشگر این است که از این احتمالات مطلع باشد و در مقابل آنها از مشارکت‌کنندگان محافظت نماید (خالقی، ۱۳۸۷: ۵).

بحث درباره رضایت به دادن اطلاعات فقط در صورتی معنی‌دار است که دست‌اندرکار و مددجو یک مبنای اخلاقی واحدی را برای رابطه‌شان ایجاد کرده باشند. دانش و مهارت‌های دست‌اندرکاران جامعه‌شناسی به آنها اجازه نمی‌دهد که به کنترل جنبه‌های زندگی اشخاص دیگر بپردازند، یا آزادی آنها را محدود کنند. این

یکی از اصول حاکم بر رضایت به دادن اطلاعات است. دومین اصل حاکم بر دادن اطلاعات، تشویق به تصمیم‌گیری عقلانی است، که این مستلزم این است که مددکار و دست‌اندرکار قبل از شروع هرگونه مداخله‌ای، برخی از حقایق را به زبان عامیانه برای مددجو بیان کنند. این روش مستلزم نوشته‌ای خلاصه و ساده و ارائه شفاهی در مورد شیوه‌ای است که مداخله باید انجام شود. این که چگونه باید رضایت را در مورد نحوه ارائه اطلاعات حاصل کرد، تا اندازه زیادی به شرایط مددجو بستگی خواهد داشت. برای مثال، موقعیت‌ها و زمینه‌های مختلفی مانند اجتماع، مدرسه، خانواده و همسر همیشه مستلزم اصلاحاتی در این باره است که چگونه اطلاعات باید ارائه شود، این که چه گزینه‌هایی برای یک مددجو بالقوه قابل دسترسی است.

در شرایطی که خطری متوجه فرد مشارکت‌کننده باشد، باید فرصت‌های مناسبی برای سرباز زدن از مشارکت، بدون دردسر یا گرفتاری مشارکت‌کننده داده شود. منظور از خطر، آسیب‌های احتمالی جسمی یا روانی یا ناراحتی یا فشار وارد شده به مشارکت‌کنندگان است. در حوزه علوم اجتماعی این خطرها شامل جایگاه اجتماعی مشارکت‌کنندگان، حریم خصوصی، عقاید و ارزش‌های شخصی، ارتباط با خانواده و جامعه و موقعیت حرفه‌ای و شغلی مشارکت‌کنندگان است (خالقی، ۱۳۸۷: ۵).

### معیارهای حقوقی و اخلاقی در جامعه‌شناسی کاربردی

آگاهی از معیارهای اخلاقی و قانونی حاکم بر یک اجتماع و تأثیر خدماتی که مددکار ارائه می‌کند، بر هم‌نویسی یا انحراف از آن معیارها، کلید اصلی کاربرد جامعه‌شناسی است. به عبارت دیگر، هر مداخله‌ای باید متناسب با جهان واقعی مددجو باشد. تأثیرات مداخلات محدود به مددجو یا مرزهای آن نیست. مداخلات می‌تواند موجب مسائل تازه‌ای باشد، یا مسائل محدود به

### نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی نقش و اهمیت معیارهای اخلاقی در جامعه‌شناسی کاربردی می‌پردازد. اخلاق کاربردی به بحث درباره نحوه به کارگیری نظریه‌های اخلاقی هنجاری در امور گوناگون می‌پردازد. اخلاق کاربردی بر موارد عینی و جزیی تمرکز دارد و در جهت حل معضلات اخلاقی می‌کوشد. در مجموع، اخلاق کاربردی هم حوزه فردی و هم حوزه اجتماعی را در بر می‌گیرد. اخلاق کاربردی در حوزه فردی شامل اخلاق خانواده، روابط شخصی مثل دوستی با دیگران و رابطه با افراد سالمند و جوانان است و در حوزه اجتماعی شامل تکنولوژی زیست - محیطی، پزشکی، امور سیاسی، حقوقی و رسانه‌ای و ورزشی و امور اجتماعی و نظایر آن را در بر می‌گیرد.

جامعه‌شناسی کاربردی به معنای کاربرد نظریه‌ها و روش‌های جامعه‌شناسی برای انجام مداخله مستقیم در امور اجتماعی و انجام تغییرات اجتماعی مثبت برای حل و فصل مسایل اجتماعی است. وجه مشخص عملکرد جامعه‌شناختی، درگیری مستقیم و دخالت دادن جامعه‌شناس در برنامه‌ریزی‌ها و اقدام به حل مسأله برای ایجاد تغییرات اجتماعی است. رهیافت عملگرایی جامعه‌شناختی یک مدل است که در میان مجموعه بزرگتر جامعه‌شناسی کاربردی قرار دارد. یکی از شکل‌های بسیار مهم و سودمند عملگرایی جامعه‌شناختی این است که از تحقیق اجتماعی کاربردی استفاده می‌کند. این جامعه‌شناسان از مهارت‌های تخصصی خود برای مجهز کردن مددجویان (افراد و سازمان‌ها) به داده‌ها و اطلاعاتی استفاده می‌کنند که به توصیف نظام‌های اجتماعی و حوزه مسأله‌دار و مسأله نیازمند به تغییر می‌پردازد. وجه مشخص و ویژگی منحصر به فرد رویکرد عملگرایی اجتماعی این است که مشارکت فعال و مداوم در زمینه نظام‌های مددجویی دارد که این شاید به منزله

آن را تشدید نماید. برای مثال، مددکار باید به گونه‌ای مددجو را کمک نماید که او ضمن حفظ حقوق مددجو به سلامت عمومی هم آسیب نرسد.

آسیب نرساندن به این معناست که صدمه‌ای به شرکت کنندگان؛ حتی اگر به صورت داوطلبانه شرکت کرده‌اند، وارد نشود. این اصل، ایجاب می‌کند که پژوهش اجتماعی به گونه‌ای هدایت شود که آسیب نرساندن به گروه‌های اجتماعی یا افراد مشارکت‌کننده در پژوهش و نیز خویشاوندان و اطرافیان آنها را به حداقل برساند. به همین سبب، پژوهش باید به گونه‌ای هدایت شود که آسیب‌های اجتماعی برای مشارکت‌کنندگان را به عنوان یکی از پیامدها در نظر بگیرد. پژوهش در حوزه علوم اجتماعی و انسانی نسبت به حوزه پزشکی با آسیب‌های جسمی کمتری روبه روست، اما آسیب‌های نهفته (غیرجسمی) از لحاظ تشخیص و اندازه‌گیری بسیار مشکل‌ترند و آثار بلندمدت آنها نیز به سختی قابل ارزیابی است. نمونه‌هایی از آسیب‌های جدی در حوزه علوم اجتماعی عبارتند از: ایجاد اضطراب، کاهش عزت نفس، احساس شرمسازگی، نگرانی از مشکلات جسمی، آسیب دیدن روابط اجتماعی مشارکت‌کننده و ضرر مالی آنها (خالقی، ۱۳۸۷: ۵).

همه انسان‌ها از جمله دانشمندان دارای تعهد اخلاقی به اطاعت از قانون هستند. اگر دانشمندان از قوانین پیروی نکنند، علم ممکن است متحمل زیان بزرگی شود و حمایت عمومی از علم تضعیف گردد. با این همه، اگرچه دانشمندان دارای وظایف اخلاقی قوی در اطاعت از قانون هستند، اما این معیار نیز دارای استثنایی است. برخی مواقع دانشمندان می‌توانند قانون را به خاطر کسب دانش یا تأمین منافع جامعه رعایت نکنند. در سراسر تاریخ محدودیت‌های قانونی موانعی را بر سر راه پیشرفت دانش به وجود آورده‌اند (رسنیک، ۱۹۹۸).

## منابع

- بخشی از یک تیم باشد که از بینش‌های جامعه‌شناختی برای کمک به برنامه اجرایی عملی راهبردها برای تغییر و حل مسأله بهره می‌برد. عملگرایی جامعه‌شناختی متضمن مشارکت فعال و مداوم به عنوان یک عامل مداخله و تغییر است.
- به هر حال، جامعه‌شناسی از طریق کارکردن با مددجویان است که به مداخله جامعه‌شناختی می‌پردازد. از این‌رو، عملگرایی جامعه‌شناختی دارای فرمولی ساختاردهنده است که به نحو حرفه‌ای به ارائه ابزار پرداخته و آن را به صورتی شناخته شده در می‌آورد. افراد و گروه‌ها برای دریافت کمک جهت حل مسائل خود به برقراری ارتباط می‌پردازند.
- اخلاق متضمن هنجارهای عملی است که سبب تمایز رفتار قابل پذیرش از رفتار غیرقابل پذیرش می‌گردد. هنجارهای اخلاقی بسیار فراگیر هستند. همه انسان‌ها برخی از معیارهای اخلاقی مشترک را قبول دارند، حرفه‌های مختلف دارای هنجارهایی برای رفتار هستند که از طریق آن به تثبیت اهداف خاص خود می‌پردازند، این هنجارها به اعضای یک رشته خاص کمک می‌کنند تا کنش را با اعتماد عمومی تطبیق دهند.
- اخلاق در بردارنده اصول و معیارهای اخلاقی است که زیربنای مسئولیت‌ها و عملکرد حرفه‌ای است و این اصول و معیارها باید به منزله اصول راهنما به کار روند. در هنگامی که فعالیت‌های حرفه‌ای روزمره بررسی می‌شوند، این اصول تشکیل‌دهنده احکام هنجاری برای جامعه‌شناسان هستند. این قوانین همچنین همراه با رویه‌هایی برای پژوهش و حل و فصل شکایت‌های مطرح شده در خصوص عملکرد غیراخلاقی است. از این‌رو، پنج اصل کلی وجود دارد که جامعه‌شناسان باید در زمینه‌های گوناگون از آنها پیروی نمایند. این اصول عبارتند از: شایستگی حرفه‌ای، یکپارچگی، مسئولیت اخلاقی و علمی، احترام برای حقوق و شأن و منزلت انسان‌ها، پذیرش تنوع و مسئولیت اجتماعی.
- آهنگری، فرشته. (۱۳۸۶). «پیشینه و بنیادهای اخلاق در ایران و جهان»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ش ۳ و ۴، صص ۱۱-۲۲.
- ایمان، محمدتقی و غفاری نسب، اسفندیار. (۱۳۹۰). «معیارهای اخلاقی در پژوهش‌های علوم انسانی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ش ۲، صص ۲-۱۱.
- اسلامی، محمدتقی. (۱۳۸۹). «نقش اخلاق کاربردی در توجه به فلسفه اخلاق»، معرفت اخلاقی، سال اول، شماره دوم، بهار، صص ۴۵-۵۸.
- برندا، آلموند. (۱۳۸۶). «اخلاق کاربردی» ترجمه: حامد حاجی بابایی، فصلنامه راهبرد یاس، ش ۹، صص ۲۱۴-۲۳۳.
- خالقی، نرگس. (۱۳۸۷). «اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ش ۱ و ۲، صص ۸۳-۹۲.
- خزاعی، زهرا. (۱۳۸۶). «اخلاق کاربردی: ماهیت، روش‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی، سال نهم، شماره اول، صص ۱۵۷-۲۰۴.
- دباغ، سروش. (۱۳۸۶). «عام‌گرایی و خاص‌گرایی در فرا اخلاق»، فصلنامه اندیشه دینی، ش ۲۲، صص ۱-۲۰.
- رحمتی، حسینعلی. (۱۳۸۷). «چرایی و چگونگی نقد فلسفه اخلاق فمینیستی»، پژوهش زنان، ش ۴، صص ۱۰۹-۱۲۶.
- صادقی، مسعود. (۱۳۸۳). «نسبت‌گرایی اخلاقی به عنوان معضل معرفت‌شناختی (دیدگاه دیوید ونگ)» نامه حکمت، ش ۳، صص ۱۴۹-۱۸۲.
- Bayles, M. (1988) *Professional Ethics*,



- Lab," *US News and World Report*, 24 March:22° 24.
- Holder, A. R. (1978) *Medical malpractice law*. New York: John Wiley & Sons.
- Hoppe, S. (Ed.). (2000) Introduction: Ethical Issues in Sociological Practice (Special Issue) . *Sociological Practice: A Journal of Clinical and Applied Sociology*, 2(4): 243° 24.
- Hull, D. (1988) *Science as a Process*. University of Chicago Press, Chicago.
- Longino, H. (1990) *Science as Social Knowledge*. Princeton University Press, Princeton, NJ.
- Lomasky, L. (1987) "Public Money, Private Gain, Profit for All," *Hastings Center Report*17, 3:5° 7.
- Macfarlane, B. & Cheng, M. (2008) "Communism, Universalism and Disinterestedness: Re- Examining Contemporary Support Among Academics for Merton s Scientific Norms . *Journal of Academic Ethics*, 6, 1, 67° 78.
- Mauthner, Melanie and et al. (2005) *Ethics in Qualitative Research*. London: Sage Publication.
- Nelkin, D.(1995) *Selling Science*, Revised Edn, New York: W.H.Freeman.
- Perissle, Judith (2008) " Ethics" *The Sage Encyclopedia of Qualitative Research Methods* (Ed) Lisa. M. Given, Sage Publication PP.10-29.
- Reiser, S. (1993) "The ethics movement in the biological sciences: a new voyage of discovery," in R. Bulger, E. Heitman, and S. Reiser (Eds) *The Ethical Dimensions of the Biological Sciences*, New York: Cambridge University Press.
- Resnick, D. B. (1998) *The ethics of science: An introduction (philosophical issues inscience)*. New York: Routledge.
- Resnik, D. (2007) *The Price of Truth: How Money Affects the Norms of Science*.Oxford University Press, New York.
- Wadsworth, Belmont, CA.
- Bird, S. and Spier, R. (1995) "Welcome to Science and Engineering Ethics," *Science and Engineering Ethics* 1, 1:2° 4.
- Beauchamp, T. & Childress, J. (1989) (3rd ed.) *Principles of biomedical ethics*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Bowie, N. (1994) *University-Business Partnerships: An Assessment*, Lanham, MD: Rowman and Littlefield.
- Bruhn John, G. & Reach Howard, M. (2007) *Sociological Practice, Intervention and Social Changr*.Springer.
- Cliffsnotes. Com (2011) "Ethics in Sociological Research " <http://www.cliffsnotes.com/study-guide/topic/Article-Id-26957>, Article-Id26845.html.
- Davis, M. (1995) "A Preface to Accountability in the Professions". *Accountability in Research* 4: 81° 90.
- Dentler, R. A. (2005) "In Quest of the Goal of School Desegregation: The Story of an Applied Sociologist". *Journal of Applied Sociology / Sociological Practice*, 22(1) & 7(1): 16° 23.
- Eitzen, D. S. & Baca Zinn, M. (2004) *Social problems* (9th Ed.). Boston: Pearson Education.
- Flaherty, E. W. (1979) Evaluation of consultation. In J. J. Platt, & R. J. Wicks (Eds.), *The psychological consultant* (pp. 213° 242). New York: Grune and Stratton.
- Fjellstrom, R. (2005) "Respect for Persons, Respect for Integrity". *Medicine, Health Care and Philosophy*, 8, 231° 242.
- Frankena, W. (1973) *Ethics*. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.
- Fuller, R. and Petch, A. (1995) *Practitioner Research - the Reflexive Socia/Worker*. uckingham: Open . University Press.
- Gregory, I. (2003) *Ethics in research*. London: Continuum .
- Hedges, S. (1997) "Time Bomb in the Crime

Robson, C. (1993) *Real World Research: Q Resource for Social Scientists and Practitioner Researchers*. Oxford: Blackwell.

Shamoo, A.E. and Dunigan, C. (2000) "Ethics in Research". *Proceedings of the Society for Experimental Biology and Medicine* 224: 205° 210.

Shrader-Frechette, K. (1994) *Ethics of Scientific Research*. Rowman and Littlefi eld, Boston.

Slakey, P. (1993) "Public science," in M. Thomsen (1993).

Sieber, S. D. (1981) *Fatal remedies: The ironies of social intervention*. New York: Plenum.

Snow, C. (1964) *The Two Cultures and the Scientific Revolution*. Cambridge University Press, Cambridge.

Shamoo, Adile, E. and Resnik David, B. (2009) *Responsible Conduct of Research*. Oxford University Press.

Whitbeck, C. (1995) "Truth and Trustworthiness in Research, *Science and Engineering Ethics* 1:403° 16.

